



احمد رضا تهرانی

آنچه می خوانید، صد مین ستون «شنبه‌ها با کتاب» است که در آغاز - مُلْهَم از کتاب خواندنی «سه شنبه‌ها با موری» - سه‌شنبه‌ها با کتاب» نام داشت. از دوازدهم اردیبهشت (روز معلم) ۱۴۰۲ که با معرفی کتاب «چگونه کتاب بخوانیم؟» این ستون متولد شد. تا امروز که دوازدهم مهر ۱۴۰۴ است. این سعادت را داشتیم که در کنار شما خوانندگان عزیز به مرور معرفی صد کتاب بپردازیم. اجازه دهید پیش از پرداختن به کتاب امروز - که یکی از رمان‌های مهم قرن بیستم است - این جستار را با ارائه یک آمار و نیز چند سیاست‌گذاری کوتاه ادامه دهیم.

در این صد هفته، با در نظر گرفتن زمانی که امروز معرفی می‌کنیم، چهل رمان غیرفارسی، هشت کتاب درباره تاریخ ادبیات، هشت مجموعه داستان کوتاه، هفت رمان فارسی، شش کتاب پیرامون کتاب‌خوانی، پنج کتاب با موضوع تاریخ، چهار کتاب راجع به نقد ادبی، چهار نمایشنامه، دو کتاب شعر فارسی، دو مجموعه شعر غیرفارسی، دو کتاب درباره نویسندگی، دو کتاب خاطرات، دو کتاب با موضوع توسعه فردی، یک فیلم نامه، یک سفرنامه، پنج تک‌کتاب با موضوعاتی چون فلسفه، فنون ترجمه، فوتبال، تاریخ علم، و جامعه‌شناسی، و - سرانجام - کتاب «شاهنامه به نثر» دکتر دبیرساقی را مرور کردیم.*

و اما «خانواده تیبو»، نوشته روزه مارتن دوگار، نویسنده فرانسوی که پیش از به پایان رساندن این رمان جایزه نوبل ادبی را دریافت کرد، با ترجمه درخشان، مثال‌زدنی و کم‌نظیر استاد ابوالحسن نجفی که یکی از جایزه‌های سالانه ترجمه در ایران به نام نامی ایشان است، رمانی درباره «اسکار تیبو»، پدربدرسالار خانواده تیبو که از همسر مرحومش فقط دو پسر به یادگار دارد، با نام‌های «آنتوان» و «ژاک»، با ۹ سال اختلاف سن و مقادیر چشمگیری اختلاف در عقیده و مرام و مسلک و خلق و خو، رمان با صحنه مراجعه پدر و برادر بزرگ‌تر به مدرسه برادر کوچک‌تر، یعنی ژاک و آگاه شدن آن‌ها از فرار او از دبیرستان آغاز می‌شود یک فرار حساب شده با همراهی «دانیل»، برادر بانویی به نام «ژنی» - که در ادامه رمان نقش مهمی در زندگی پرفرازونشینب ژاک بازی خواهد کرد - و فرزند خانم «فونتان» پروتستان که در مجموع آبروی بزرگی است برای اسکار تیبو، پدر ثروتمند، آبرودار، صاحب نفوذ و کاتولیک خانواده، و - به عبارت دیگر - یک «سبیلی واقعیت» درست و حسابی که به صورت این پدر سخت‌گیر و دل‌سخت نواخته می‌شود. در ادامه، آنتوان که تازه پزشک شده است (و در خلال رمان بلاهای عجیب و غریبی سرش می‌آید، از دیگری عاطفی با «راشل» - که بانویی است یادآور شخصیت‌هایی مانند «سودابه» در «شاهنامه» - بگیرد تا شرکت در جنگ جهانی اول، و نقش مهمی در صحنه تکان دهنده و طولانی مرتبط با لحظات احتضار پدرش که یادآور بخش‌هایی از «پیرس» است)، به عنوان برادر بزرگ‌تر وارد ماجرا می‌شود و تلاش می‌کند نِقار بین پدر و ژاک را برطرف سازد.

ناگفته نماند که این تازه آغاز ماجراست و در ادامه شما با یکی از محصولات عظیم حاصل از نبوغ بشری روبه‌رو خواهید شد، رمانی که نگارش آن در سال ۱۹۳۰ آغاز شد و در سال ۱۹۴۰ به پایان رسید و - پیش از اتمام - نوبل ۱۹۳۷ را برای نویسنده‌اش به ارمغان آورد، رمانی شامل هشت کتاب با نام‌های «دفترچه خاکستری»، «ندامتگاه»، «فصل گرم»، «طبابت»، «سورلینا» (که تماما شامل رمانی است که ژاک آن را نوشته)، «مرگ پدر» (که اشاره‌ای به آن کردیم)، «تابستان ۱۹۱۴» (که از نظر تاریخی فوق‌العاده دقیق است و شامل رخدادهایی که پیش از آغاز جنگ جهانی اول در فرانسه پیش آمدند) و بالآخره «سرانجام»، (ترجمه فارسی‌اش در چهار جلد چاپ شده است که بعضی شامل دو یا سه کتاب‌اند). «خانواده تیبو» رمانی است که هرآنچه را در حیات فردی و اجتماعی انسان می‌بینیم، در خود جای داده است؛ اموری مانند ایمان، عصیان، تنهایی، تعامل، عشق کامیاب، عشق ناکام، ترس از مرگ، خود مرگ (چه در بستر و چه در میدان جنگ)، کنش سیاسی، و ده‌ها پدیده دیگر، با طیف وسیعی از انواع و اقسام شخصیت‌های باورپذیر با تیپ‌های روان‌شناختی متنوع.

* درباره این آمار، شاید ذکر این نکته خالی از لطف نباشد که بیشتر بودن تعداد رمان‌ها (۴۷ درصد کل مرورها)، افزون بر علاقه شخصی این حقیر سراپاتقصیر به رمان خوانی - این شیرین‌ترین و جذاب‌ترین کار جهان - به برگزاری دو جلسه ماهانه نیز مربوط می‌شود که همین جا برآرم تا از دست‌اندرکاران و شرکت‌کنندگان در آن نشست‌ها صمیمانه سیاست‌گذاری کنیم، دوستان اهل ادبیاتی که با حضور خود چراغ رمان و رمان خوانی را در شهر عزیزمان، مشهد، روشن نگاه می‌دارند، یکی سلسله‌نشست‌های «هزارویک شب رمان» در دانشگاه فردوسی مشهد و دیگری جلسات «دوشنبه‌های پردیس» در «پردیس کتاب» مشهد، همچنین، حالا که باب تشکر باز شده است، قصد دارم تا از همه بزرگوارانی که در این صد هفته همراه همیشگی حقیر بودند و به شیوه‌های گوناگونی مانند خواندن مطالب و ارائه بازخورد و نقد، پیشنهاد کتاب برای هفته‌های آینده، یادآوری نمونه‌های مشابه، و - خلاصه‌ها در یک کلام - با «هم‌دلی و هم‌زمانی» به این شاگرد مدرسه ادبیات لطف و محبت روا داشتند، تشکر و قدردانی کنم و دست‌یکایک آن‌ها را به گرمی بفشارم، و همچنین یک سیاس ویژه و درجه یک دارم از دوستان فرهیخته و درجه یک صفحه، فرهنگ‌ و ادبیات، روزنامه، شهرآر و که باعث‌وبانی اصلی این معاشقه با کتاب‌ها بوده و هستند.

«خانواده تیبو»، (۴ج)، نوشته روزه مارتن دوگار، ترجمه ابوالحسن نجفی، نشر نیلوفر (ج ۱: ۱۳۶۸)، ۲۳۴۸ صفحه.



صاحب‌خبر

یک روایت و چند صدا

رمان معروف عباس معروفی در خراسان جنوبی تقدو بررسی شد

صدوسی‌وششمین نشست کانون کتاب خراسان جنوبی با محوریت نقد و بررسی رمان «سمفونی مردگان» عباس معروفی در بوستان توحید بیرجند برگزار شد. صفورا محمدی، نویسنده و فعال فرهنگی، با اشاره به اهمیت اثر رمان در تاریخ ادبیات معاصر ایران گفت: سمفونی مردگان تنها باآرژینی معاصر داستان‌های بی‌بیل و قابیل است، بلکه نمایی روشن از جامعه‌ای پدرسالار ارائه می‌دهد، جامعه‌ای که برادر را در برابر برادر قرار می‌دهد و پدری را به طرد و سوزاندن شعرهای پسرش سوق می‌دهد.

او افزود: یکی از برجستگی‌های این رمان، چندصدایی بودن روایت است. هریک از اعضای خانواده او رخنای بانگاه خود تاریخ‌خانوادگی را بازگو می‌کنند و در مجموع، قطعات مختلف این روایت همچون نت‌های یک سمفونی، تصویر کامل‌تری از زندگی در جامعه پس از جنگ جهانی دوم ارائه می‌دهند. محمدی با تأکید بر شخصیت‌پردازی دقیق اثر ادامه داد: اورهان و برادرش، آیدا و دیگر شخصیت‌ها، هرکدام آینه‌ای از رنج‌ها، ترس‌ها و ناگامی‌های جامعه سنتی هستند. همین جنبه انسانی و اجتماعی است که باعث شده رمان پس از گذشت بیش از سه دهه همچنان خواندنی باقی بماند. این منتقد در بخش دیگری از سخنانش گفت: در کنار قوت‌های زبانی و فضاسازی شاعرانه، گاهی روایت‌های طولانی و تکرارهای متن، ریتم داستان را کند می‌کند. همچنین تصویر زنان، به‌ویژه آیدا، همچنان در چارچوب سنتی محدود شده و نتوانسته است از این مرز فراتر برود.

منبع: ایبنا

شهر

شنبه
۱۴ مهر ۱۴۰۴
شماره: ۵۵۵

۱۰



فرهنگ و ادبیات

کوه‌شاهوار ۱۹۶

علی باقریان ۹۷۶ همه پیر و برناش فرمان تیریم
تیکایک ۱۱۱ ز گفتار او نگذیریم ۱۱۱
نخواهیم بر گاه ۱۱۱ ضحاک را ۹۷۷
مرا آن آژدها خیم ۱۵۱ ناپاک را

سپاهی و شهری ۱۱۱ به گردا ۱۱۱ کوه
سراسر به جنگ اندرون ۱۸۱ هم‌گروه ۱۸۱
از آن شهر روشن یکی تیره‌گرد ۹۷۸
برآمد که خورشید شد لاژورد ۱۸۱

پس ۱۱۱ از رشک ۱۱۱ ضحاک شد چاره جوی ۱۱۱
ز لشکر سوی کاخ بنهاد روی

[۱] تیکایک: هیچ، [۲] هرگز، هیچ‌یک از دستور او سرنپیچیم، [۳] گاه: تخت، [۴] مر: حرف اضافه‌ای که بیشتر پیش از مفعول «را» بی‌می‌آورد، اند و کارکرد آن به درستی شناخته نیست، [۵] آژدها خیم: آژدها، خو، (همچنین، ممکن است شاعر «خیم» را در معنای «زخم» آورده باشد تا بگوید ضحاک زخم خورده دو مار بزرگ بود)، [۶] شهری: غیرنظامی، غیرسپاهی، [۷] به گردار: مثل، [۸] در قدیم، گاه، دو بار حرف اضافه می‌آورده‌اند، یک بار پیش از کلمه یا عبارت و یک بار پس از آن، «به جنگ اندرون»، مجموعاً، یعنی «در جنگ»، [۹] هم‌گروه: متحد، هماهنگ، [۱۰] لاژورد: لاجوردی، تیره، [۱۱] پس: آن‌گاه، سپس، بنابراین، [۱۲] رشک: حسد، [۱۳] چاره جوی: اندیشناک.

شاعران برجسته‌ای که به مشهد آمده بودند، از دین و عشق و ترانه و پیوند آن‌ها با یکدیگر سخن گفتند

زبان محاوره، میانجی انتقال عشق زمینی و آسمانی

گروه فرهنگ و ادبیات | حضور چند شاعر برجسته در مشهد با برگزاری دو برنامه مفصل و تخصصی درباره وضعیت شعر و ترانه همراه شد. یکی از این برنامه‌ها نشست «ترانه و جایگاه آن در شعر رضوی» بود که به همت مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی برگزار شد. محورهای این نشست شامل بحث



عبدالجبار کاکایی از شعر مذهبی و نقش ترانه در انتقال محبت و آموزه‌های دینی گفت

شعر و موسیقی در خدمت دین

محسوب نشد، بلکه نشانه‌ای از قدرت و انعطاف آن بود. به همین سان، زبان محاوره نیز می‌تواند در کنار زبان رسمی، به پویایی و قوت زبان فارسی یاری رساند.

● لزوم آشنایی ترانه‌سرا با موسیقی، در نظر و عمل

در تجربه‌های شخصی من، بهترین ترانه‌ها زمانی شکل گرفته‌اند که نخست ملودی خلق شده است. ترانه، درحقیقت، ترکیب سه عنصر شعر، موسیقی و صدای خواننده است. سبم شعر در این میان شاید فقط ۲۰ درصد باشد، درحالی‌که موسیقی و اجرا بخش عمده و تأثیرگذاری را بر عهده دارند. همکاری میان ترانه‌سرا و آهنگ‌ساز نیز شیوه‌ای بسیار ارزشمند است؛ به‌ویژه در مواقعی که ملودی و کلام هم‌زمان پیش می‌روند. برای کسانی که تازه وارد عرصه می‌شوند، شعر محاوره رایج‌ترین شیوه ارتباط با موسیقی است. آشنایی با موسیقی سنتی و ردیف‌های آواز ایرانی تأثیری عمیق بر توانایی ترانه‌سرا دارد. حتی نواختن ساز، هرچند در حد سازهای کوبه‌ای برای درک ریتم، می‌تواند بسیار مفید باشد. شناخت دقیق خواننده به انتخاب واژگان کمک بسیاری می‌کند. زیرا هر خواننده فضایی خاص دارد و شناخت این فضا کلید موفقیت در تولید ترانه است.

● ترانه ضعیف مداحی‌ها و ضرورت حمایت از آثار فاخر

امروز بیشتر سرمایه‌های هنری صرف تولید موسیقی عامه‌پسند می‌شود و هنرمندان متعبد به خلق آثار فاخر بی‌پشتوانی مانده‌اند. در کارگاه‌های آموزش ترانه نیز، غالباً فقط یک شیوه تدریس و تحمیل ترانه‌های ضعیف هستیم و با توجه به تقدس مضامین رضوی، لازم است نهاد‌های متولی، با حمایت هدفمند و سرمایه‌گذاری، تولید آثار فاخر در قالب ترانه را تسهیل کنند. این اقدام، نه تنها انتقال سلیقه خوب و حفظ میراث فرهنگی را به همراه خواهد داشت، بلکه کیفیت موسیقی و شعر مذهبی را نیز ارتقا می‌بخشد.

شاعران پیشکسوت و جوان، با حضور در برج «سپید» مشهد، به ماهیت و اهمیت شعر عاشقانه پرداختند

عشق همه چیز است

جهان - در جهان حاضر و جهان غیب - این است که تو عاشق باشی. حالا حافظ می‌گوید: «که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها»، اما مولانا معتقد است عشق از اول سرکش است و رویارویی با او مثل مواجهه شیر با آهو.

● محمود اکرامی‌فر:

سوگ‌سروده‌های مادران سمبل عشق در ادبیات ماست ما عاشقانه‌های مذهبی هم زیاد داریم. عشق به وطن هم موضوع دیگری است که در ادبیات ما وجود دارد که عاملی است برای تکامل، به شرط آنکه درست از آن استفاده نکنیم.

سوگ سروده‌های مادرها هم بخشی از همین ادبیات ماست. شعرهایی که در سوگ فرزندان می‌سرایند، ادبیات بسیار زیبایی است. جاهایی مثل سبزواری و کاشمر، فراوان از این دست دارند. نگاه‌های مادرانه در ادبیات ما جای توجه زیادی دارد. عشق از خودگذشتن است، مالکیت نیست یا سندنردن، دادن است، نه گرفتن. آدم‌های کریم همیشه از هدیه دادن خوش‌حال‌اند، از دادن محبت، چنان‌که خداوند عاشق بندگانش است. و این عشق و محبت را به آن‌ها هدیه می‌دهد. ساختار زندگی بشری بر بخشش بنا شده و عشق بخشندگی است. درواقع، توداری بخشی از قلب و وقت خودت را می‌دهی. عشق دیگرخواهی است.

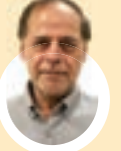
● حامد عسکری:

عشق مجازی و زمینی ندارد

مفهوم «عشق» و «دوست داشتن» یکی از آن مفاهیم عجیب و غریب و درعین‌حال ساده و قابل فهم است. من همیشه از این تقسیم‌بندی‌های عشق مجازی و عشق زمینی تعجب می‌کنم. به نظر من، عشقی واقعی تر است که در آن تو، بدون هیچ حس مالکیت و خواسته‌ای، دوست داشته باشی و فقط دوست داشته باشی. به اندازه آدم‌ها نسخه برای عشق وجود دارد. قطعا در سرزمین ما یک جوان رشتی و یک جوان بمی دو نگاه متفاوت به عشق دارند. در رشت، باران می‌تواند باعث برهم خوردن یک قرار عاشقانه شود و در جایی مثل بم و یزد باعث یک قرار عاشقانه شود. زیست آدم‌هاست که به نوعی دوست داشتن را زیبا می‌کند.



محمود اکرامی‌فر



احمد اکرامی